



زنده باد انقلاب اکتبر! زنده باد انقلاب کارگری!

خیزش انقلابی مردم ایران و

زویایی از تظاهرات ۲۲ اکتبر برلین

تلخیص گفتگوی رادیو نینا با آسو فتوحی، دبیر تشکیلات خارج کشور حزب

پیام به مردم مبارز سقز

خالد حاج محمدی - صفحه ۷

مردم دشمنان خود را می شناسند!

در حاشیه ترور هولناک در شاهچراغ شیراز

امان کفا

حمله تروریستی چهارشنبه ۴ آبان، به شاهچراغ شیراز، تا امروز ۱۵ نفر کشته و بیش از ۴۰ تن زخمی به جا گذاشته است. ساعتی پس از این حمله داعش طی اطلاعیه ای مسئولیت این حمله را بعهده گرفت. جمهوری اسلامی نیز با نمایش فیلم های از این حمله، بلافاصله اعلام سه روز عزای عمومی کرد. ... صفحه ۲

انعکاس نظرات کادرهای حزب پیرامون تحولات ایران در روزنامه های آلمانی

سایر اطلاعیه های حزب در صفحات دیگر

جنبش انقلابی جاری «افق ها و چشم اندازها»

مظفر محمدی

هیچ جنبش اجتماعی و اعتراضی بدون افق و چشم انداز نیست. جنبش انقلابی جاری در ایران دو وظیفه و هدف پیشرو خود دارد.

- یکی، این است که کل نیروهای این جنبش خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی است.
- دوم، این جنبش هدف و شعار اثباتی آزادی و برابری دارد.

در مورد اول و مساله سرنگونی، هدف روشن است. جنبش انقلابی به هیچ جناح بورژوازی حاکم متوهم نیست. ... صفحه ۴

فرمان لباس «کردی» چرا نگرفت؟

محمد فتاحی صفحه ۲

بحران سیاسی در انگلستان

فواد عبداللهی

تماشاییست که مردم بریتانیا در یک بازه زمانی کمتر از دو ماه، حضور سه نخست وزیر از حزب محافظه کار در قدرت را تجربه می کنند؛ این اتفاق رعد در آسمان بی ابر نیست و حکایت از یک بحران عمیق سیاسی در یکی از کانون های مهم حاکمیت دموکراسی پارلمانی در جوامع غربی دارد. کار به جایی رسیده است که حتی سنت شنیع دفاع از منافع بورژوازی و طبقه سرمایه داران از جانب دولت محافظه کار انگلیس تنها ۴۵ روز دوام آورد و خانم لیز تراس، نخست وزیر محافظه کاران، که سودای بازگشت مارگرت تاچر در سر داشت، زیر فشار افکار عمومی مجبور به استعفا شد. هفته گذشته روزنامه دیلی استار تیت زد: «ما یک کاهو خریدیم، بینیم این کاهو زودتر خراب می شود یا لیز تراس از قدرت کنار می رود که خب کاهو پیروز شد!» ... صفحه ۲

با بیش از یک دهه صدارت حزب محافظه‌کار در انگلستان، دریافت مالیات از طبقه سرمایه‌دار روز به روز کاهش یافت و برای جبران بودجه دولت و کسری مالی ناشی از این سیاست به جیب خالی طبقه کارگر و شهروندان جامعه دستبرد زدند. ریاضت اقتصادی به سیاست رسمی طبقه حاکم تبدیل شد؛ کار به جایی رسیده است که امروز حتی جلوی سقوط دولت انگلیس را از جیب طبقه کارگر جبران می‌کنند. تورم تا پایان سال به ۱۵ درصد می‌رسد. بیش از دو میلیون نفر از شهروندان بریتانیایی عاجز از پرداخت قبوض برق خود هستند و بیش از یک میلیون نفر توان پرداخت قبوض گاز را ندارند و این درحالیست که حزب محافظه‌کار انگلیس بر طبل ریاضت اقتصادی شدیدتر و کاهش سطح خدمات اجتماعی شهروندان می‌کوبد. حزبی که با وعده «رشد اقتصادی» در انتهای این تونل تاریک بحران اقتصادی و سیاسی در این کشور، سر پا مانده بود! وعده‌ای که مخاطب آن نه طبقه کارگر و مردم محرومی که دنبال «اشتغال» و «رونق» در بازار ارزان کار، بلکه بیش از همه رو به طبقه حاکم، یعنی بورژوازی داشت. امروز ادعای «رشد اقتصادی» از جانب حزب محافظه‌کار انگلیس و این که این حزب قادر است بورژوازی را همچنان «بشاش» و «با ثبات» در نرخ رشد و سودآوری سرمایه رهبری کند، دود شد و هوا رفت. این موقعیت از دست حزب محافظه‌کار، بعنوان تنها رهبر سنتی بورژوازی انگلیس و یکی از رهبران تاریخی بورژوازی جهانی، از دست رفت!

دولت انگلیس با صندوق خالی بودجه مواجه است و خطر ورشکستگی، بورژوازی این کشور را «نگران» کرده است! برای دفع این ورشکستگی، که طبیعا باید از سبب زندگی طبقه کارگر و میلیون‌ها شهروند محروم با قطع کردن دست‌شان از خدمات اجتماعی صورت بگیرد، با مشکل مواجه است. جامعه انگلستان مدت‌هاست فرمان «دیگر بس است» را به بالایی‌ها داده است. اعتصابات پی در پی طبقه کارگر و کارکنان این کشور، بی‌اعتمادی به قدرت حاکم و روی‌گردانی از احزاب پارلمانی، رجوع به قدرت خود از پایین به اشکال مختلف، اخطار لازم را به طبقه حاکم داده است که «دیگر بس است!» ناتوانی خانم‌ها و آقایان «تریسا می»، «بوریس جانسون» و «لیز تراس» و یقیناً جانشین او جناب «سوناک» برای تامین رهبری طبقه‌شان، به همین دلیل است. در بریتانیا این روزها صحبت بر سر حزب محافظه‌کار و باخت تاریخی این حزب در «اداره جامعه» حتی در راستای منافع طبقه‌اش نیست! صحبت بر سر جانشین این حزب، یعنی حزب «لیبر» است که کمترین شباهتی به اپوزیسیون در هیچ سطحی ندارد! حزبی که پس از تسویه و کودتا علیه رهبری چپ خود، «جرمی کوربین»، شائبه هر نوع چپ و عدالت‌خواهی را از پیکر پاک کرد. مشکل استابلیشمنت امروز در بریتانیا تنها مختص به حزب محافظه‌کار نیست، بلکه کل سیستم پارلمانی است که در آن اپوزیسیون واقعی موجود نیست! در رقابت پارلمانی در مقابل حزب محافظه‌کار، حزبی با برنامه عمل کیفیتاً متفاوت وجود ندارد. واقعیت اینست که حاکمیت دموکراسی پارلمانی در بریتانیا همراه با احزاب سنتی آن دچار بن‌بست و آشفتگی است. کفگیر این الگوی حاکمیت به ته دیگ خورده است. این آشفتگی نه محصول سیاست این و آن نخست‌وزیر که بلاواسطه به کارکرد نظام سرمایه‌داری و متاخترترین الگوی آن یعنی تاجریسم و دموکراسی بازار مربوط است. تاجریسم و ایدئولوژی متعفن بازار در افول و بحران غوطه‌ور است. فقر و بیکاری و ناامنی در انگلستان پیداد می‌کند. شکاف طبقاتی میان دارا و ندار هیچ زمانی تا این حد در بریتانیا عیان و زمخت نبوده است. تاجریسم و الگوی اداره جامعه با ریاضت اقتصادی قابل دوام نیست؛ میراث‌داران تاجر با طناب تاجر توی چاه می‌روند و در غروب دموکراسی بازار در جستجوی فرج هستند.

جامعه انگلستان روز به روز میان دولت و طبقه حاکم با شهروندان طبقه‌تر می‌شود. اعتمادها به پارلماناریسم و احزاب رسمی لحظه به لحظه شکننده‌تر می‌شوند و روی‌آوری به سوسیالیسم و آلترناتیوی در خارج از محدوده تنگ پارلمان برای عبور از بن‌بست کاپیتالیسم به وضوح دیده می‌شود. برنامه سیاسی طبقه کارگر در بریتانیا، استراتژی متفاوتی که بخواهد جایگزین حاکمیت احزاب رسمی و الگوی دموکراسی پارلمانی شود، در حال نضج است. طبقه‌ای که ماه‌هاست با توفان اعتصابات قدرتمند و فلج‌کننده خود، مراکز کار و محلات زندگی مردم محروم را با تکیه بر اتحادیه‌ها و تشکیلات سراسری خود به هم بافته و علیه طبقه حاکم اعلام جرم کرده است. توجه شما را به جمله معروف «مایک اینچ» رهبر اتحادیه کارگران ریل قطار در اعتصاب سراسری تابستان امسال در بریتانیا جلب می‌کنم: «ما دیگر هرگز فقر و نابرابری را تحمل نخواهیم کرد.»

فرمان لباس «کردی» چرا نگرفت؟

در مورد فراخوان ناسیونالیست های کرد برای پوشیدن لباس کردی در مراسم چهلم مهسا امینی

محمد فتاحی

ناسیونالیست های کرد بارها تجربه شکست فراخوان برای پوشیدن لباس «کردی» را شاهد بوده اند. عوامفریبی های اینها به سبک کرازی در افغانستان، به سبک صدام در عراق، به سبک روسای قبایل افریقای، و به سبک مسعودشاه کرد در بخش شمالی کردستان عراق، به سبک روسای اسلامی پاکستان و... علت اصلی بالا بردن لباس کردی به عنوان مقدسات «کرد»، در شرایط امروز نیست. امروز در دل شروع یک انقلاب زنانه، ناسیونالیسم کرد مانند ناسیونالیسم ایرانی، بسم الله شان را با مهسا و انقلاب تحمیل شده به خود، شروع می کنند، اما قلب شان برای اهداف دیگری می تپد؛ ناسیونالیسم ایرانی به شهادت همه، ترکیبی از مردسالاری و مذهب شیعه است. بیخود نیست رضا پهلوی میگوید اگر قرار است اسلام مورد تعرض باشد، ترجیحش بقای همین نظام است. در فرهنگ همون مردسالارانه در ایران، «زن را زن و مرد را مرد گفته اند!» سطح شعور ملکه سابق ایران به عنوان شخص دوم سلطنت در دوران رژیم گذشته، به سوال مجری تلویزیون، نشانگر سطح درک او از جایگاه و موقعیت زن در جامعه زیر تسلط اینهاست.

انقلاب زنانه فعلی میخواید فرهنگ ایرانی را با اسلام و ناسیونالیسم مردسالارانه آنرا جارو کند. میخواید اسلام را کاری کند که در تمام جهان امروز در سوراخ بیزد. به همین دلیل، ناسیونالیست های ایرانی، دسته جمعی به هر سوراخی پناه می برند، به مشاور نزدیک به قدرت های قلدر در جهان امروز مراجعه می کنند تا در صورت ممکن، جمهوری اسلامی را به کمک اینها نیم کلاج رد کرده، ضمن حفظ تمام دستگاه سرکوب فعلی، طبقه کارگر و مردمان محروم جامعه را از رسیدن به قدرت خویش محروم کنند. دشمنی تاریخی اینها با حق برابر زن و مرد، و حفظ موقعیت فرودست و درجه دوم آن در جامعه، بخشی از تقلاهای بی ثمر اینها برای حفظ نظام سرمایه داری در ایران است.

ناسیونالیسم کرد در رفتارشان با حق زن، یک قرن عقب تر است؛ نزد اینها نه فقط اسلام، نه فقط کردایتی مردسالار، نه فقط لباس کردی متعلق به دوران پیشا مدرن جامعه، که تمام متعلقات دوران جهالت بشر، از ناموس و مردانگی و آداب و رسوم قبایل اولیه و... دسته جمعی جزو ارزشها و مقدسات اینهاست.

هر بنی بشر با شعور متوسط شهادت میدهد که یک انقلاب زنانه تمام این ارزشها را زیر و رو خواهد کرد؛ یعنی تکرار انقلاب کبیر فرانسه ضربدر تمام دستاوردهای اروپای غربی در سده های اخیر! به همین دلیل ناسیونالیسم کرد، موجودیت خود را در یک خطر جدی می بیند. برای جلوگیری از این خانه خرابی احتمالی، مادام به خود می پیچد تا در مقابل آن سنگری ببندد. علم کردن لباس سنتی کردی در وسط جنگ مرگ و زندگی، برای ایجاد تفرقه آنهم به بهانه احمقانه تفاوت لباس است. معنی زمینی فراخوان ارتجاعی آنها، تذکر به مردمان کرد زبان است که یادشان باشد ما قرار نیست با «آنها» متحد شویم؛ «هدف ما و سر منزل حرکت ما» متفاوت است! می پرسید چرا؟ لباس به موزه رفته قدیمی را نشانت میدهد تا مدعی شوند که هویت آنها نه یک هویت جهانشمول انسانی، که یک هویت جعلی متکی به تعلقات قومی و قبیله ای و ارزشهای فرهنگی دوران جهالت بشر است.

فراموش نباید کرد اینها تا همین ماههای اخیر منتظر امکان معامله و شرکت در قدرت زیر سایه حاکمیت اسلامی بودند. احزاب کرد هم نوع اینها در آخرین روزهای عمر صدام هم از دست بوسی «قاعد اعظم» عقب نکشیدند. مرکز همکاری احزاب مردسالار کرد ایرانی، اگر همین فردا از طرف جمهوری اسلامی دعوت به معامله شوند، مطمئن باشد دقیقا حاضرند مانند دکتر قاسملوی شان، با سر وارد جلسه شوند. در صورت عدم توفیق در این نقطه، اینها چهار چشمی سراغ قدرت دیگری برای یک معامله و دست به دست شدن قدرت از بالای سر مردم، در یک توطئه مخفیانه است. بالا بردن علم های جعلی برای تراشیدن هویت قومی و مذهبی متفاوت برای مردم، در جهت ممانعت از شکل گیری محکم تر یک اتحاد سراسری در یک انقلاب زنانه و در کنار آن، برای عدالت اجتماعی و اعمال قدرت مستقیم توده های مردم از طریق سازمان های توده ای شان است.

توده میلونی مردم در سایه محرومیت های تمام عمری، فرصت کسب آگاهی کامل از ماهیت اینها و نقشه های شان را نداشته اند، اما تجربه زندگی و درک اهمیت حفظ اتحاد امروز، در رسیدن به یک زندگی مرفه و شاد و آزاد، دسته جمعی در کنار هم و در یک سنگر واحد ایستاده اند. تحکیم اتحاد سازمان یافته محرومان از طریق سازماندهی شوراها مردمی در مقابل دشمنان رنگارنگ از طبقات بالادست، تنها مسیری است که توطئه های رنگارنگ طبقاتی را خنثی می کند.

جمهوری اسلامی، که زیر فشار خیزش انقلابی مردم ایران خرد شده است، تلاش کرد یکبار با حمله به مسجد مردم منتسب به سنی در زاهدان و قربانی کردن بیش از ۹۰ نفر، به جنگ شیعه و سنی دامن بزند، توطئه ای که در همان لحظه اول شکست خورد و به موجی از نفرت و انزجار و همزمان همبستگی و اتحاد در میان مردم در سرتاسر ایران دامن زد، تلاش کرد با توطئه شروع «جنگ مسلحانه» در کردستان و منتسب کردن مبارزه مردم در کردستان به احزاب ناسیونالیست کرد، مبارزه مردم در کردستان را منزوی و سرکوب خونین کنند، سیاستی که دیروز جواب خود را از اعتراضات توده ای در سرتاسر ایران گرفت و شکست خورد. امروز و بعد از شکست سناریوهای سوخته اش، تلاش میکند به بهانه این حمله تروریستی، خیزش جاری در ایران را به تروریست های هم نوع و هم جنس خود، «نیروهای خارجی» و ... نسبت دهد. تلاش میکند فضای نظامی و سرکوب را به بهانه «مبارزه با تروریسم»، «دفاع از جان و امنیت مردم» حاکم کند. حکومتی که بیشترین تهدید برای امنیت مردم است، تلاش میکند با پز «دفاع از امنیت مردم» و اشک تمساح ریختن برای قربانیان این حمله تروریستی جدال خود علیه مردم آزادیخواه و معترض در ایران پیش ببرد. این تلاش هم سرنوشت بهتری از تلاشهای تا کنونی شان نخواهد داشت. امروز به حق انگشت اتهام به سوی همه نیروهای تروریست اسلامی، از داعش تا جمهوری اسلامی، نشانه رفته است.

«تقاضای» خامنه ای از «دستگاههای حافظ امنیت و قوه قضائیه تا فعالان عرصه فکر و تبلیغ و تا اتحاد مردم» برای ایستادن «مقابل جریانی که به جان مردم و امنیت آنان و مقدسات آنان بی‌اعتنائی و بی‌احترامی روا میدارد»، فقط میتواند مایه خشم و نفرت مردم شود!

مردمی که سابقه همدردی و کمک رسانی در وقوع زلزله ها، سیل ها و کرونا و ساختمان فروریختن ها، حمایت از آوارگان و ... را دارند، مردمی که قربانی همین نوع از حملات تروریستی در خیابان و دانشگاه و ... شده اند و در مقابل پادگانی کردن محیط کار و زندگی شان از طرف جمهوری اسلامی و اوباش بسیج و لباس شخصی و نیروی سرکوب ارتش و سپاه، مقاومت و از خود دفاع میکنند، جواب این حمله تروریستی را خواهند داد. خامنه ای بهتر است فکری به حال تروریستهای حکومتی خود باشد.

برای مردمی که به حق با صدای رسا اعلام کرده اند که «داعش ما داخلی است»، داعش و جمهوری اسلامی و تمامی تروریست های شناخته شده و بی نام و نشان را مانع اصلی عدم امنیت خود می دانند و برای کوتاه کردن دست همه داعشی ها و طالبان ها و هر نوع تروریسم دولتی و غیر دولتی از زندگی خود به میدان آمده اند.

مردم آزادیخواه در ایران مدتها است به این واقعیت که تنها راه پایان دادن به این جنایات، سرنگونی جمهوری اسلامی، برچیده شدن تمامی نیروهای سرکوبگر و تضمین امنیت مردم توسط نیروی خود مردم و میلپس توده ای شان است، پی برده اند. جنبش اخیر جنبشی است برای پایان دادن به این جنایت، برای آزادی، برابری و رفاه. برای جامعه ای امن و سعادتمند. این جنبش راه پیشروی و پیروزی خود را پیدا کرده و گامهای استواری برای تحقق آرمانهای انسانی خود برداشته است.

کارگران! کمونیسم ابزار

مبارزه ی شما است!

کمونیسم را ابزار مبارزه

خود کنید.

سوء استفاده از خیزش انقلابی مردم ایران ممنوع

پس از شکست سیاست نیروهای دست راستی و فاشیست در آلمان، سوئد و فرانسه برای سوء استفاده از خیزش انقلابی مردم در ایران، پس از شکست تلاش برای تبدیل این خیزش و انقلاب به سیاهی لشکر نیروهای اولترا ارتجاعی چه در ایران و چه در اروپا، اخیرا شاهد فراخوان هایی بدون نام و نشان از طرف نیروهای پرو ناتویی به نام دفاع از خیزش انقلابی مردم ایران هستیم. درست در شرایطی که نقش آمریکا و ناتو در جنگ اوکراین برای مردم متمدن و آزادیخواه در غرب افشا شده است، در شرایطی که مردم در تمام کشورهای اروپایی علیه این جنگ و همه طرفین آن و منجمله ناتو، روزانه در خیابانها هستند، در شرایطی که مردم از اوکراین تا بریتانیا به قربانی شدن خود، چه با بمب و چه با فقر و فلاکت، در این جنگ ارتجاعی دست به اعتراض میزنند، شاهد فراخوان «راهپیمایی بزرگ مشترک ایرانیان و اوکراینی ها علیه دشمنان مشترک: رژیم پوتین و خامنه ای» در کلن آلمان، با پرچمهای شیر و خورشید، اوکراین و آلمان هستیم.

کدام انسان فهیمی است که متوجه نشوند که در دل این جنگ ارتجاعی، به نام دفاع از مردم ایران و اوکراین، اعتراض علیه یکی از طرفین جنگ، هیچ معنی جز طرفداری از طرف دیگر جنگ ندارد. قاتلین مردم اوکراین در کاخ سفید و کرملین و کاخ الیزه و شماره ۱۰ انگلیس، کاخ صدراعظم آلمان و کاخ ریاست جمهوری اوکراین و ... نشسته اند. همه اینها در نابود کردن زندگی مردم بیگناه اوکراین و تحمیل فقر و فلاکت به مردم جهان مستول اند.

فراخوان دهندگان شیرو خورشیدی، با پز دفاع از مردم ایران و اوکراین تلاش دارند خیزش انقلابی مردم در ایران را تبدیل به باروت بمب های ناتو در جنگ اوکراین کرده و مردم آزادیخواه ایران در خارج کشور را به طرفداری از سیاست های ارتجاعی ناتو و تقابل با روسیه بسیج کنند و بکشانند.

مردم جهان مدتها است ضدیت خود را با سیاستهای کثیف ناتو و غرب و روسیه و چین در جنگ اقتصادی و سیاسی و نظامی شان، به شکل روشن اعلام کرده اند. مردم میدانند نزاع بین قدرتهای امپریالیستی با همه هیاهو و پروپاگاندی که می کنند سر سوزنی ربط به منفعت نه مردم ایران و نه مردم روسیه و اوکراین ندارد. مردم جهان علیه تمامی قدرت های جنگ افروز از ایران و روسیه تا ناتو هستند. مردم نتیجه خونین «آزادسازی افغانستان»، «دخالته بشردوستانه» در سوریه و لیبی، «دمکراسی» در عراق، «مبارزه با تروریسم» و ... را دیده و تجربه کرده اند و خواهان پایان جنگهای ارتجاعی و اختصاص میلیاردها دلار هزینه جنگ افروزی این قدرتها به سعادت و خوشبختی و رفاه مردم دنیا هستند.

نیروهای دست راستی و بورژوازی که سناریوی «رژیم پنج» و «انقلاب اوکراین» شان شکست خورد، نیروهایی که پروژه هایشان در داخل ایران، از رهبر تراسی تا همکاری با احزاب فاشیستی و دست راستی اروپا و آمریکا تا تحریف شعارهای انقلابیون در ایران تا نمایش های شنیع و لمپنیزم حاکم بر آن در اروپا تا همپیمانی با دول غربی شکست خورد، امروز دست به استفاده ابزاری از انقلاب سوم مردم ایران در خارج کشور زده اند. اینها با تحریف خواست و مطالبات زنان، مردان، کارگران، معلمان، دانشجویان، جوانان و کل مردم تشنه آزادی و برابری ایران تلاش دارند که این نیروی عظیم انقلابی را به سیاهی لشکر ناتو در جدالهای رقت انگیز و خونین آن تبدیل کنند. مردم آزادیخواه ایران قطعاً سیاستهای ضد انقلابی این نیروها را فراموش نخواهند کرد و بی جواب نخواهند گذاشت.

مردم آزادیخواه در خارج کشور!

نباید به فراخوان های ارتجاعی اینها برای تبدیل انقلاب مردم ایران به سیاهی لشکر قدرتهای ارتجاعی جواب مثبت داد. حضور در آکسیونها و تجمعات این نیروها مهر تأییدی است بر سناریوهای ارتجاعی آنان از «رژیم پنج» تا «انقلاب مخملی»! نیروهای راست، از پهلوی ست ها و فاشیست های فیروزه ای تا احزاب فاشیست اروپایی، را باید منزوی کرد.

کل نیروهای جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی متفق و متحد و همبسته هستند. در مورد شیوه ها و تاکتیک های مبارزه اعتصاب کارگری، اعتصاب عمومی، اعتصاب و اعتراضات دانشجویی، اعتراض زنان و جوانان و... هم توافق وجود دارد.

در مورد دوم، افق و چشم انداز اثباتی جنبش، در شعار آزادی و برابری بیان می شود و می گوید پس از سرنگونی جمهوری اسلامی چه می خواهد. اما تعریف آزادی و برابری چه در درون خود جنبش انقلابی جاری، چه در اپوزیسیون بورژوازی و چه اپوزیسیون و جنبش کارگری و سوسیالیستی، یکی نیست. تعریف راست و چپ پاسخ این شرایط نیست و قابل تفسیر و تعبیر است.

این یادداشت به افق و چشم انداز اثباتی هر کدام از این جبهه ها، یعنی جبهه اپوزیسیون بورژوازی و جبهه کارگری و سوسیالیستی می پردازد. اپوزیسیون بورژوازی در طول چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی چشم به اصلاحات و تغییراتی در نظام حاکم دوختند و هیچوقت خواستار سرنگونی نبودند. اما جنبش دانشجویی ۷۸، خیزش گرسنگان ۹۶ و خیزش سراسری ۹۸ برای معیشت و بویژه جنبش انقلابی جاری، توهم و رویای اپوزیسیون راست و بورژوازی را نقش بر آب کرد. جنبش انقلابی جاری، اپوزیسیون اصلاح طلب دیروز و لیبرال ها و حتی سلطنت طلبان را به دنبال خود کشیده است. اما به این معنی نیست که اپوزیسیون بورژوازی و جناح هایش الزاما اهداف و افق جنبش انقلابی را پذیرفته اند.

بورژوازی اپوزیسیون سعی می کند افق خود را به افق جنبش تبدیل کند. یک روز «شاهزاده» ای می آوردند، روز بعد شاهزاده از ادعای سلطنت و کسب قدرت پس از جمهوری اسلامی خداحافظی می کند. اما این خداحافظی مصلحتی پذیرش این حقیقت نیست که نظام سلطنت با پرچم شیر و خورشید در یک انقلاب توده ای به تاریخ سپرده شده است. شاهزاده ای خجول منتظر است تا اگر این نظام از در بیرون انداخته شده، بتواند از پنجره وارد شود. اما تلاش طیف های پراکنده اپوزیسیون بورژوازی در جبهه های دیگر ادامه دارد. از قبیل فرشگرد، سازمان مجاهدین، شورای مدیریت گذار و در کردستان مرکز همکاری احزاب کردستانی و غیره. همگی این اپوزیسیون علیرغم هر اختلافی با هم، اما یک هدف دارند و از یک جنسند. اختلافاتشان هم بر سر این است که کدام جبهه برای دست به دست شدن قدرت در ایران پیشدستی کرده و منافع کل بورژوازی را تامین می کند. این اپوزیسیون اگر دعوی با هم داشته باشند بر سر تقسیم غنائم یعنی قدرت و ثروت بعد از جمهوری اسلامی است. برای این اپوزیسیون خیزش مردم و انقلابیون فقط ابزار سرنگونی رژیم و به قدرت رسانیدن آن ها است. هیچ ادم عاقلی در جنبش انقلابی ادعای بورژوازی اپوزیسیون درباره این که مردم خود تصمیم می گیرند و انتخاب می کنند را جدی نمی گیرند و باور نمی کنند. این یک تعارف بی مزه است.

جنبش انقلابی بنا به خصلت طبقاتی و آزادیخواهی و برابری طلبی اش تا کنون به اپوزیسیون بورژوازی روی خوش نشان نداده است. نیروهای جنبش یعنی کارگران و زحمتکشان، جنبش قدرتمند زنان، فرهنگیان، دانشجویان و دانش آموزان، پرستاران و کادر درمانی و... از ۹۶ و ۹۸ تا امروز ۱۴۰۱، نیروی آزادیخواه و برابری طلب است. این جنبش، جناح های مختلف اصلاحات و سبز و لیبرال ها را پشت سر گذاشته، بالغ شده و گامی جلوتر است. رویگردانی جنبش انقلابی از اپوزیسیون بورژوازی کنونی در شعار «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر»، «نه روسی، نه توسری، آزادی و برابری»، بیان شده است.

جنبش انقلابی بر شانه ی کارگران و زحمتکشان و زنان و فرزندانشان از مدارس تا دانشگاه ها و گرسنگان و حاشیه نشینان شهرها برپا شده است. این جنبش با ترکیب طبقاتی - اجتماعی اش، جنبشی است که رو به گذشته ندارد و جنبشی رادیکال، آزادیخواه و برابری طلب است. به این اعتبار، هیچ اپوزیسیون بورژوازی آن را نمایندگی نمی کند.

گفتم که افق و چشم انداز جنبش انقلابی در شعار آزادی، برابری بیان می شود. یعنی می گوید پس از سرنگونی چه می خواهد. اما آیا تعریف آزادی و برابری که در کارخانه ها و محلات و در میان زنان و جوانان و دیگر اقشار جامعه مدام فریاد زده می شود، روشن است؟ در ادامه جواب این سوال را می دهم.

جنبش انقلابی ایران با دو سناریو و افق و چشم انداز روبرو است:

یکی بدیل و جایگزین بورژوازی است و دومی بدیل و جایگزین کارگری و مردمی!

هر کدام از این بدیل ها در دل جنبش جاری، نطفه ها و باورهای خود را می پروراند. اپوزیسیون بورژوازی تعریف خود از آزادی را دارد و حتی آن را به شکل قوانین معین از جمله قانون اساسی تعریف و روی میز دارد.

نظام اقتصادی و شکل اداره جامعه دو اصل مهمی است که نیروهای دخیل در جنبش باید به آن واقف باشند تا بتوانند دوستان دشمنان را به روشنی از همدیگر تشخیص بدهند. در اینجا می خواهیم بگوییم که قانون اساسی بورژوازی چیست؟ دوما بدیل و قوانین جنبش انقلابی کارگران و زنان و زحمتکشان کدام است؟

۱- اصل و بنیان قانون اساسی بورژوازی را می توان در دوبند خلاصه کرد

یکی - تقدس سرمایه و مالکیت در نظام اقتصادی کاپیتالیستی و طبقاتی است. سرمایه و سود خط قرمز همه ی نظام های بورژوازی در سراسر جهان است. بقیه بندهای قانون شان در این زمینه، برای توضیح و توجیه این نظام است. نظامی که چنان در لفافه ی قوانین ریاکارانه و منفعت طلبانه و ضد کارگری و قابل تعبیر و تفسیر و تبصره ها پیچیده می شوند که برای کسی قابل فهم نیست. یا ناخوانده هم قابل درک است که این قانون در خدمت منفعت یک طبقه اقلیت علیه طبقه کارگر و اکثریت جامعه است.

دوم- تقدس نظام پارلمانی اداره ی جامعه تحت نام دموکراسی. بقیه بندها و تبصره های چون سه قوه «مجریه، مقننه و قضاییه» بعلاوه ی ارتش، پلیس مخفی، زندان، اعدام و... در خدمت و تعریف و توجیه نظام اقتصادی و سیاسی سرمایه دارانه است.

بورژوازی برای تسلط خود بر جامعه از هیچ فریب و دروغ و ریاکاری ابایی ندارد و شرم نمی کند. بورژوازی هر چند سال یک بار رای مردم را می خواهد تا به حاکمیت طبقاتی مشروعیت ببخشد. تمام سهم و حقوق مردم در دموکراسی بورژوازی هر چند سال یک بار یک رای است و بورژوازی برای این رای هم سر مردم منت می گذارد که گویا در تعیین حاکمیت و سرنوشتشان دخیل شده اند. در این نظام جماعتی مفتخور و بیکاره و طمعکار و ستمکار از صندوق ها بیرون آورده می شوند تا جواز قبضه کردن دارایی های جامعه را از مردم بگیرند و به سهم خود که بردگی مزدی و تلاش برای بخور و نمیر است، قانع باشند.

خلاصه، هر آنچه که به نام آزادی و حرمت انسان در این نظام گفته می شود، دروغ، ریاکاری و فریبکارانه است. دموکراسی بورژوازی با آزادی واقعی هیچ قرابت و سنخیتی ندارد. آزادی بدون برابری پوچ و بی معنی است. آزادی در جامعه طبقاتی و تقسیم به کارگر و سرمایه دار و در دموکراسی بورژوازی یعنی آزادی سرمایه برای تصرف قدرت و مالکیت و تقسیم ثروت و دیگر هیچ. شکایت اپوزیسیون بورژوازی از نظام کاپیتالیستی جمهوری اسلامی این است که بخشی از بورژواها در حوزه ها و بیت رهبری و سپاه تمام دارایی ها را قبضه کرده اند و به آنها سهمی نداده و یا سهم کمی باقی گذاشته اند.

شکایت اپوزیسیون بورژوازی از نظام پارلمان جمهوری اسلامی این است که سهم آن ها در این مجلس و قدرت کم است و یا سهمی ندارند.

کل بورژوازی اپوزیسیون در داخل و خارج رویا و ارمان و هدفشان تقسیم ثروت به نوعی است که نه سیخ شان بسوزد، نه کباب. ارمان و رویای کل اپوزیسیون بورژوازی، تقسیم قدرت بین خودشان است به نوعی که همه بخش های سرمایه داران در قدرت نمایندگی شوند. در همه ی پارلمان های نظام طبقاتی و سرمایه داری جهانی، در یک قرن اخیر، حتی در دموکراتیک ترین آن ها، منفعت اکثریت نمایندگی نشده و نمی شود! نظام پارلمانی جزء لایتجزای نظام اقتصادی سرمایه داری است.

فراموش نمی کنیم که بورژواها خود به دین و مذهب اعتقاد ندارند اما به دین و خرافات برای توجیه تبعیض و تفاوت ها در جامعه نیاز دارند. مذهب ابزار بورژوازی بر علیه اکثریت جامعه است. برای این است که بینوایان به نداشته هایشان قانع باشند. چون خدایشان پنج انگشت را مثل هم نساخته است. پس سرمایه دار صاحب ملک و مسکن و کاخ و اتومبیل های گران قیمت و هواپیمایی شخصی... داده ی «خداوند عادل» به آن ها است و این مالکیت مقدس است!

۲- قوانین و باورهای سوسیالیستی جامعه ی آزاد و برابر

قانون اساسی طبقه کارگر و جامعه ی آزاد و برابر و سوسیالیستی کاملا سر راست و ساده است. نوشتن این قانون، حقوقدان، قانون گزاران و کلا، قضات و فلاسفه نمی خواهد. قانون را خود کارگران می نویسند و توسط نمایندگانشان در شوراهای کارگری و مردمی اجرا می کنند.

اکثریت کارگر و زحمتکش و محروم جامعه، تبعیض و ستم و تحقیر و فقر را در مدرسه نمی آموزند... ادامه در صفحه بعد

را نمی خورد. جامعه سوسیالیستی اراده و اختیار را به انسان بر می گرداند که جامعه اش را خودش بسازد!

در یک کلام، آزادی و برابری در قانون و جامعه سوسیالیستی یعنی، آزادی بی قید و شرط سیاسی و بهرمنند شدن همه ی انسان ها از نعمات و دارایی های جامعه بطور برابر و یکسان.

از هر کارگری بپرسی چه میخواهید می تواند بگوید من کار می کنم و تولید می کنم باید نتیجه و حاصل کار من مال خودم باشد. تولید برای نیاز جامعه است نه برای سود سرمایه داران. قدرت و حاکمیت باید دست کارگران و کارکنان جامعه باشد. آزادی بدون برابری پوچ است.

و کلام آخر: کمونیست ها از پنهان کردن عقاید و آرمانشان عار دارند.

ما کمونیست ها برای برقراری یک جامعه سوسیالیستی آزاد و برابر اعلام می کنیم:

- تقسیم جامعه به طبقات «طبقه کارگر مزدی و بی اراده و اختیار و طبقه سرمایه دار حاکم و مالک داراییهای جامعه» را نمی پذیریم. در جامعه ما همه به یکسان از نعمات و داراییهای جامعه برخوردارند. در جامعه ی آزاد و برابر کارگران و زحمتکشان و اکثریت مردم محروم، مسکن برای همه هست. آموزش و بهداشت و درمان و حمل و نقل رایگان است. جامعه ی سوسیالیستی به زن و مرد تقسیم نمی شود. چیزی به نام زن خانه دار که کارگر بی اجر و مزد نظام سرمایه داری است، وجود ندارد. زنان مثل مردان کار می کنند و دستمزدی برابر می گیرند. مهد کودک های رایگان برای حفاظت از کودکان در همه ی محل های کار و زندگی هست. در سلف سرویس های همه ی محلات کار و آموزش، تغذیه رایگان هست.

- آزادی و برابری بدون دخالت مستقیم اکثریت در تعیین سرنوشت جامعه، ممکن نیست. شکل دخالت مستقیم، شوراهای مردمی است. ما به جای پارلمان که ابزار قدرت طبقات دارا است، شوراهای مردمی با دخالت مستقیم اکثریت جامعه بر پا می کنیم.

- در جامعه ی آزاد و برابر، تقسیم مردم بر اساس قومیت و زبان و مذهب و جنسیت مردود است. برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد حاصل است. در جامعه ی آزاد و برابر، ستم بخاطر ملیت و زبان و مذهب و لباس و فرهنگ منفور و مردود است. در جامعه ما انسان مینا است و همه ی انسان ها از حقوق شهروندی برابر برخوردارند.

- ما بر ویرانه ی نظام طبقاتی و سرمایه دارانه ی پارلمانی، شاهی و...، نظام اراده و دخالت مستقیم مردم متحد و متشکل در شوراهای خود را می سازیم.

- ما کمونیست ها سیستم تبهکارانه ی اقتصادی سرمایه دارانه و نظام سیاسی استبدادی اش را نمی پذیریم.

نظام اقتصادی سرمایه داری بدون روبنا و حاکمیت استبدادی، مطلقا قادر به حفظ قدرت و کسب سود و ثروت هر چه بیشتر و بیشتر نیست. نظام سرمایه، برای خفه کردن طبقه کارگر مزدبگیر که زیاده خواهی نکند و رفاه و امنیت نطلبد و برای ساکت نگه داشتن جامعه که رفاه و آموزش و بهداشت و حمل و نقل رایگان نخواهد، به سرکوب نیاز دارد. برای سرکوب هم ارتش و نیروی انتظامی و پلیس مخفی و زندان و اعدام دارد. ما این نظام جهنمی استثمار اقتصادی و سرکوب سیاسی را نمی پذیریم. جمهوری اسلامی سرنگون شده به دست اکثریت بپاخاستگان جامعه، کل نظم اقتصادی و قدرت سیاسی و نظامی و پلیسی اش را با خود به گور خواهد برد.

- در نظام اقتصادی سوسیالیستی و برابر و نظام سیاسی دخالت مستقیم همه ی مردم در کنگره ی شوراهای مردمی، جایی برای استثمار و ستم و سرکوب نیست. در شرایط آزادی بی قید و شرط سیاسی، پلیس مخفی و تفتیش عقاید و زندان و اعدام، نفی و برچیده می شود. در این نظام بجای ارتش و نظامیگری حرفه ای، توده های میلیونی مردم مسلح، خود از منافع و امنیت جامعه صیانت و حفاظت می کنند!

زنده باد سوسیالیسم

آزادی، برابری حکومت کارگری

طعم تلخ و درس ظلم و ستم و بیحقوقی و فقر و گرسنگی را در زندگی و بر سفره ی فقیرانه و بخور و نمیر خود چشیده و می آموزند.

کارگران و زحمتکشان قوانین نانوخته ای دارند که زندگیشان است. کار می کنند و دستمزد بخور و نمیری می گیرند و همیشه سفره شان یا خالی یا بی رنگ و بو است و حاصل و نتیجه کار و تولیدشان ارزش اضافه و سود سرمایه داران است و به جیب آن ها می رود.

نیاز آدم ها یکسان است. ما جامعه ای می خواهیم که اکثریت زحمتکشان سفره های خالی و یا بی رنگ و بو نداشته باشند، در حالیکه طبقات دارا و بورژواها سفره رنگین و سنگین و تا خرخره بخورند و سهم بچه های ما نصف غذای مانده ی بورژواها در سطل های آشغال باشد. در جامعه ی طبقاتی، طبقات دارا اقلیت بسیار کوچک جامعه اند، اما بیشترین ثروت و سامان منقول و غیر منقول و ملک و کارخانه و بانک در اختیار دارند.

در جامعه ی سوسیالیستی ما، تا زمانی که هنوز دستمزد و حقوق ماهانه وجود دارد، این دستمزدها برای کلیه بخش های جامعه یکسان است. درآمد و دستمزد کارگر، معلم، کارمند، مهندس، مدیر، دکتر، پرستار... یکسان است. نیاز بشر با هر شغل و سواد و تجربه و توانایی یا ناتوانی، یکسان است. در جامعه سوسیالیستی چیزی به نام کار پست وجود ندارد. تقسیم کار بر اساس توانایی، تجارب و استعدادها افراد و جمع های مختلف جامعه است. ممکن است صاحبان مشاغل چون کار فکری و سازماندهی و مدیریت و اداره ی گوشه ای از جامعه و یا پزشک و معلم و استاد دانشگاه...، اوقاتی در سال راننده یا کارگر حمل زباله های شهر یا شغل مشابهی شود! تفاوت شغل ها چه یدی و چه فکری برای کسی امتیاز نیست. از هر کس به اندازه توانش و بهر کس به اندازه نیازش قانون جامعه ی سوسیالیستی است.

هر بورژوازی به اندازه چند میلیون مردم زحمتکش سرمایه منقول و غیر منقول و سود و ملک دارد. مسکن یک بورژوا، ماشینهایی که سوار می شوند، تغذیه ای که دارند، پوشش و تفریح و خوشگذرانی شان و بطور کلی رفاه شان در مقایسه با اکثریت محرومان جامعه شکاف عمیقی است که تنها در نظام سوسیالیستی از بین رفته و نابرابری و تبعیض بر می افتد.

جامعه سوسیالیستی جامعه ای است که هیچ امکان و هزینه ای برای مذهب صرف نمی کند. به هیچ مسجد و امام جمعه و آخوندی حقوق نمی دهد. آخوندی، شغل نیست. انگل است. کسی که می خواهد برای آخرت و بهشت اش سرمایه گذاری کند و وقت بگذارد، باید از جیب خود و وقت آزادی که خواهد داشت استفاده کند. آخوندی که برای بهشتش وقت صرف می کند، بکند ولی حقوقی ندارد و اگر بخواهد درآمدی مثل بقیه داشته باشد باید مثل همه کار کند. اگر ساعت کار روزانه ۶ ساعت است، او هم باید ۶ ساعت در روز کار مفیدی برای جامعه انجام دهد و گرنه درآمدی نخواهد داشت.

نظام سوسیالیستی ما از هر گونه شائبه مذهبی و دینی در قوانین و آموزش و خانواده و قضاوت و اداره جامعه بری است. بورژوازی در پروپاگاندا ضد کمونیستی و ضد سوسیالیستی اش می گوید در جامعه باید رقابت باشد. اگر درآمد و نوع زندگی یکسان باشد، کسی کار نمی کند. پزشکان و وکلا و مدیران و غیره حاضر نیستند دستمزد یک کارگر داشته باشند و از این قبیل. چیزی که برای بورژوازی قابل فهم و درک نیست، انسانیت و شعور انسان ها در جامعه ی برابر است. فردگرایی و منفعت فردی مختص جامعه ی طبقاتی است. به مردم می گویند اگر تو کار نداری یا درآمد کم است به این خاطر است که تو تنبل یا بی سواد. تلاش نمی کنی. بدشانسی یا خدا به تو نداده. از تو حرکت از خدا برکت! این فرهنگ ضد انسانی جامعه ی سرمایه داری است. در این جامعه انسان و انسانیت با میزان دارایی و مالکیت و ثروت سنجیده می شود. در نتیجه اکثریت کارگر و زحمتکش و محرومان جامعه، انسان های برابری محسوب نمی شوند. انسان های پست هستند. در حالیکه سرمایه داران و تجار و صاحبان املاک و کارخانه و بانک دارها، مفتخوران و انگل های جامعه اند و پست اند، نه کارگر کارخانه یا شهرداری و معلم مدرسه و راننده و ...

جامعه سرمایه داری سرنوشت انسان و اکثریت جامعه را به تلاش های فردی شان واگذار می کند. در نتیجه نه رقابت، بلکه فردگرایی، خرافات و یا تمکین و تسلیم را رواج می دهد. جامعه طبقاتی اراده را از انسان سلب می کند. اکثریت اختیاری برای نحوه زندگی کردن سالم و امن و مرفه ندارند. نود درصد جامعه ی ما هیچ اختیاری برای شغلی که دوست دارد و یا وقتی برای تفریح و زندگی امن و مرفه ندارد.

طبقه کارگر و زحمتکشان فریب بورژوازی ریاکار و طمعکار و تبهکار و فاسد

خیزش انقلابی مردم ایران و

زوایایی از تظاهرات ۲۲ اکتبر برلین

تلخیص گفتگوی رادیو نینا با آسو فتوحی
دبیر تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

رادیو نینا: ۲۲ اکتبر روزی به یاد ماندنی در تاریخ سیاسی برلین - آلمان در خصوص حمایت و همبستگی با خیزش انقلابی مردم ایران بود، در این روز حدود صد هزار نفر از کشورهای مختلف خودشان را به برلین، پایتخت آلمان رساندند تا در تظاهرات سراسری حمایت و همبستگی با مردم ایران شرکت داشته باشند، تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) نیز از شرکت کنندگان این تظاهرات بود. به عنوان دبیر تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)، ارزیابی شما از روند و زوایای این تظاهرات چیست؟

آسو فتوحی: ببینید من حتما برای بینندگان عزیز شما به شکل گزارشی به روند تظاهرات خواهیم پرداخت اما مسئله حائز اهمیت این تظاهرات، صفتندی ها، تقابل ها، پیامها و بازخورد این مراسم در داخل و خارج ایران است و این بُعد ماجرا از اهمیت ویژه ای برخوردار هست که سعی می کنم تا جایی که زمان گفتگو اجازه بدهد به آنها بپردازم.

در این روز جهان شاهد تظاهرات عظیمی در حمایت از خیزش انقلابی مردم ایران بود. برلین بار دیگر، بعد از کنفرانس برلین، که آن موقع هم با حضور قدرتمند ما کمونیست ها و چپ ها در همبستگی با مردم ایران پروژه های مردم فریب اصلاح طلبان در اروپا افشا شد، اینبار هم مرکز توجه اتصال مطالبات مردم ایران در داخل و خارج کشور بود. تظاهراتی که به اذعان رسانه های آلمانی و خارجی در نیم قرن گذشته در خصوص مسئله ایران بی سابقه بوده و طبق برآورد های تخمینی ابتدا اعلام کردند که بیش از هشتاد هزار نفر و در اطلاع رسانی دوم تصحیح شد که تقریباً صد هزار نفر در این تظاهرات شرکت داشتند.

اگر به خود روز تظاهرات به لحاظ روند مراسم برگردم، خیابانهای نزدیک و منتهی به Großer Stern محل برگزاری مراسم، از چند ساعت قبل از شروع تظاهرات به دلیل ازدحام جمعیت بسته شده و تردد اتوبوسها و وسایل حمل و نقل شهری از چندین ایستگاه مانده به محل اصلی تجمع، مختل و مسدود شده بودند و خیابانها مملو از جمعیت هزاران نفره شرکت کنندگان ایرانی و غیر ایرانی شده بود. شرکت کنندگان متشکل از احزاب، سازمانها، جریانها، گروه ها و شخصیت های سیاسی و اجتماعی و همچنین رسانه های خبری، از کشورهای مختلف بودند. در مورد صفتندی هایی که در دل این تظاهرات به دلیل شکل و وسعت و تکثر اون وجود داشت لازم است به مواردی اشاره کنم، به طور واقعی این تظاهرات از جهات خاصی متفاوت با تظاهرات های دیگر بود، تجمعی از سراسر اروپا، انگلیس و کانادا در شهر برلین که با هدف دفاع و همبستگی با مبارزات و خیزش انقلابی مردم ایران بود را در خود داشت. به طبع احزاب و جریانها راست و چپ، همچنین تعداد وسیعی از گروه ها و سازمانهای دیگر و احزاب و گروه ها و سازمانهای غیر ایرانی در این تظاهرات عظیم شرکت داشتند و تلاش میکردند صفوف خودشان را تشکیل بدهند اما هر کدام از این بلوک ها و صفتندی ها مطالبات و آینده متفاوتی را برای جامعه ایران ترسیم میکنند، از این نظر این تظاهرات از تظاهرات های دیگری که با همین خواست برگزار می شدند، متفاوت بود.

در نتیجه پیامها، روندها، سنگر بندی ها و شعارها در نمایندگی صدای مردم ایران بیش از هر زمان دیگری معنی پیدا میکنند و اتفاقاً از همین جهت چشم میلیونها انسان آزادی خواه، برابری طلب، جنبش های زنان و مردم ایران و همچنین همین جنبشها در کشورهای دیگر و در کل دنیا با حساسیت بالایی به این گردهمایی دوخته شده بود. همه دیدیم که در ویدیوهای غیر مستقیم تمام شبکه ها و رسانه های مین استریم و راست تلاش شد تا صرفاً گوشه هایی از مراسم را نشان بدهند که با منفعت دولت و جریانها مطبوعشان همخوانی دارد، ولی با تمام این تلاشها دنیا شاهد بود که بطور واقعی چه اتفاقی در برلین افتاد، واقعیت چه بود و از چه چیزهایی در تجمع حکایت داشت.

رسانه های راست تمام تلاش شان این بود که با استقرار خبرنگاران و پوشش رسانه ای تصویر دلخواه خود را از این تجمع بدهند، اما واقعیت این بود که قدرت همصدائی با جنبش های انقلابی و اعتراضی و نمایندگی شعارها و مطالبات مردم ایران قابل حذف نبود و در هر لحظه و در هر بلوک و صفتندی این جمعیت صد هزار نفره شنیده و دیده میشد. صف نیروهای کمونیست، برابری طلب، چپ و آزادیخواه در این تظاهرات رزمنده و انقلابی همصدا با جوانان تشنه آزادی در ایران، همصدا با طبقه کارگر انقلابی که یک لحظه از خواست رفاه، امنیت و آزادی، یک لحظه از تلاش برای اداره شورائی و اعمال اراده و حاکمیت مستقیم مردم

کوتاه نیامده است، پرچم های سرخ و نماد آزادی و برابری را به اهتزاز در آوردند. این صف صدای جنبش آزادیخواهانه مردم ایران علیه آپارتاید جنسی، علیه تبعیض و نابرابری، علیه ناسیونالیسم، کاپیتالیسم، قوم پرستی، فاشیسم، استبداد، ارتجاع مذهبی و غیر مذهبی بود. صف ما کمونیستها در مراسم ۲۲ اکتبر نمایش عظیم حمایت، همراهی و نمایندگی کردن تمام قد با جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم در ایران بود.

چپ و کمونیستها در مارش دهها هزار نفره در برلین همصدا با شعارهای مردم ایران صدای «نه روسی، نه توستی، آزادی و برابری»، «زن، زندگی، آزادی»، «نه شاه میخوایم نه رهبر، مرگ بر ستمگر»، «نان، رفاه، آزادی، اداره شورائی»، «فقر و فساد و بیداد، مرگ بر استبداد»، «و خیلی از شعارهای دیگری همچون «از کابل تا تهران، مرگ بر طالبان»، «نه به آپارتاید»، «رهائی حق ماست، قدرت ما جمع ماست»، «نه به آپارتاید جنسی»، «نان، رفاه، آزادی، پوشش اختیاری»، «نه شاه می خوایم، نه ملا، قدرت به دست شورا»، «کارگر نفت ما، رهبر سر سخت ما» و صدها شعار دیگری که دقیقاً مردم ایران در تظاهرات های شان بر زبان میآوردند و مطالبه میکنند را به زبانهای فارسی، انگلیسی و آلمانی به گوش مردم آلمان و جهان رساندند. در نهایت باید بگویم هرچند که مطمئن هستم همه، چه دوستان واقعی مردم، چه دوستان دروغین و چه دشمنان مردم ایران، میدانند، اما اگر کسی میخواهد دقیقاً بداند در ۲۲ اکتبر برلین چه اتفاقی افتاد، باید برود و مابۀ ازاء این حرکت را در دنیا و در رسانه های چپ و راست ببیند که چگونه برخی جریانها در سنگرداری مطالبات مردم ایران به دودستگی افتادند، چگونه بخشی از بدنه راست ریزش کرد و دوشقه شدند و علیه این تظاهرات صف بستند، هجمه های جریانها فیروزه ای و ققنوس و فرسگردی، دیروز درون حاکمیتی و امروزی راست و سناریو سوخته، را ببینند، واکنش رسانه های جمهوری اسلامی را ببیند که چطور اول می خواستند مراسم را به اسم تجمع مردم آلمان برای سوخت جلوه بدهند بعد این تظاهرات عظیم را مثل شکستی که در کنفرانس برلین خوردند به هم وصل کنند. پیامهای مردم ایران و کارگران را ببیند که گفتند و اطلاعیه قدردانی شان از انسانهای شریفی که «سنگر حمایت و همبستگی و نمایندگی جنبش، آزادی و برابری، جنبش حمایت از کارگران و معلمان، جنبش حمایت از اسرای دربند و زندانیان، پرچم داری نه گفتی به چه شاه و چه رهبر، و نهایتاً تمامی کسانی که نان، کار، آزادی، اداره شورائی سرداندند» را ببینند. در آخر میخواستیم از طرف تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) از همه کسانی که در این تظاهرات باشکوه شرکت کرده و تلاش کردند جنبش آزادیخواهانه زنان، جوانان، کارگران، معلمان و همه مردم تشنه آزادی در ایران را تقویت کنند قدردانی کنم و همانطور که در اطلاعیه ۲۲ اکتبر هم گفتیم حتماً در اطلاعیه ها و شبکه های خبری حزب مردم را از برنامه های آتی در کشورها و شهر های مختلف دنیا در جلب حمایت از انقلاب سوم مردم ایران مطلع خواهیم کرد.

برابری

**برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی،
نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد
و جنسیت، بلکه برابر در امکانات مادی در دسترس
به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و
اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در
اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری
جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات
مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در
مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود،
برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی
بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن
بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت
جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای
سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.**

پیام به مردم مبارز سقز

خالد حاج محمدی

مردم آزادیخواه سقز!



بدنبال قتل مهسا امینی بدست جلادان گشت ارشاد، چهل روز گذشته شما مردم شرافتمند و آزادیخواه در سقز با تجمعات بزرگ و کوچک، در محلات مختلف شهر، در دانشگاه و مدارس، در صف معلم و بازنشسته، در مراکز کار و زندگی، علیه قتل مهسا، علیه بی حقوقی زن، علیه قانون و فرهنگ و سنت مردسالار و ضد زن، علیه استبداد، بی حقوقی، فقر و گرسنگی، و علیه کلیت نظام حاکم همراه با مردم آزادیخواه و نسل جوان در سراسر ایران به میدان آمدید و به جمهوری اسلامی نه گفتید. دیروز چهارم آبان شما مردم آزاده علیرغم تهدید و ارباب جمهوری اسلامی و مزدوران مسلح و اطلاعاتی و امنیتی آنها، در تجمع هزاران نفره خود نه تنها یاد مهسای عزیز و همه جانباختگان اعتراضات اخیر را گرامی داشتید و در کنار خانواده و بستگان مهسا قرار گرفتید که بعلاوه میزبان همه جوانان و مردم آزاده ای بودید که برای همراهی با شما و قرار گرفتن در کنار خانواده مهسا، به سقز آمده بودند. تجمع چند ده هزار نفره شما در آرامگاه مهسا در «آیچی»، با شعارهای آزادیخواهانه صحنه ای پرشور و انسانی در دفاع از انسانیت و برابری انسانها، در دفاع از حرمت زن و کرامت همه مردم محروم ایران بود. نمایشی از اتحاد علیه حاکمیتی که چهل و چهار سال است زندگی را بر زنان، بر جوانان، بر طبقه کارگر و صف محرومین جامعه تباه کرده است. شما امروز هم در کنار صداها تجمع و اعتراض به وسعت ایران اعلام کردید که بیش از این بردگی زن، استبداد و فقر و نابرابری را تحمل نمیکنید. به همه شما درود میفرستم و یاد مهسای عزیز و همه جانباختگانی که برای دفاع از حقوق انسانی خود به میدان آمدند و بدست دژخیمان اسلامی جانشان گرفته شد را گرامی میدارم.

جوانان آزادیخواه!

شما در این مدت بخش مهمی از نیروی این جنبش انقلابی، انسانی و متمدن بودید. تحولی که تا هم اکنون سیمای جامعه ایران را تغییر داده است، همه مرزهای قومی و مذهبی، ملی و ارتجاعی را برداشته است و پرچم جهانشمول بودن حق انسان و حق زن و برابری انسانها را مستقل از نژاد، جنسیت و هر نوع تقسیمات و تعلقات ملی و مذهبی به اهتزاز در آورده است. این حقایق و اتحاد سراسری مردم آزادیخواه برای زندگی انسانی، بدور از تعرض به زنان، تعرض به سفر خالی اکثریت محروم جامعه و تعرض به کرامت و حرمت انسانها، برای جامعه ای برابر و آزاد، حاکمیت، کل ارتجاع در ایران و منطقه را ترسانده است.

این جنبش میروید و باید در میان دانشجویان و زنان، کارگران، معلمان و اقشار محروم سازمان پیدا کند و متحد شود، کاری که امروز نه تنها در مراکز کارگری، که در دانشگاهها و در محلات شهرها و از جمله سنج، مریوان، سقز و... در جریان است. نیروی دهها میلیونی مردم ایران اگر سازمان داشته باشد، اگر در تشکلهای مختلف کارگری، زنان، جوانان آزادیخواه، معلم و پرستار و مردم در محلات متحد شود، نه فقط سرنگونی جمهوری اسلامی را ممکن میکند، که در مقابل هر نوع توطئه ای علیه اعمال اراده مستقیم مردم سدی محکم مینماید. قدرت وسیع ما تنها زمانی امکان شکست کامل جمهوری اسلامی و تضمین رفاه و آزادی و سعادت را دارد که همه جا متشکل شویم، دست در دست هم بگذاریم و برای آزادی، برای رفاه عمومی، برای امنیت و جامعه برابر و انسانی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی تلاش کنیم.

باید دستاوردهای تاکنونی خود را به قدرت متحد خود تحمیل کنیم. دانشگاه و مدارس، ادارات و محلات شهر را باید به کنترل خود در آوریم. باید سازمان پیدا کنیم، باید کاری کنیم که نیروهای اطلاعات و لباس شخصی از ترس اعتراض ما نتوانند محل زندگی ما را نا امن کنند، کسی جرأت نکند به هیچ فردی تعرض کند. اگر سازمان پیدا کنیم، اگر شوراهای مردمی را سازمان دهیم و کنترل محلات خود را بدست بگیریم، میتوانیم قوانین خود را دو فاکتو اعمال کنیم. دیگر کسی نمیتواند شبانه عزیزان ما را از خانه های خود بیرون بکشد و روانه زندان و شکنجه گاهها کند. دیگر هیچ مرتجع ضد زنی نمیتواند به اسم قوانین اسلامی، به اسم مذهب شیعه یا سنی، زندگی دختران، زنان و جوانان را به جهنم تبدیل کند. جوانان آزادیخواه و سازمان یافته در محلات به کمک مردم ضامن امنیت مردم هستند. شوراهای مردمی در محلات، دانشگاهها، مراکز کار و ... اولین جوانه های

نهادهای قدرتمندی است که میتوانند فردا با اتکا به اراده جمعی جامعه و زندگی را اداره میکند و مانع دست درازی مرتجعین و سناریوهای دست بدست کردن قدرت از بالای سر مردم باشد.

زنان و مردان آزادیخواه!

اکنون با اعتراضات وسیع این دوره صف دشمنان ما تضعیف شده است، صف حاکمین ترک برداشته است، مزدوران ریز و درشت آنها یکی یکی از ترس آینده خود، صف جمهوری اسلامی را ترک میکنند. روسای جمهوری اسلامی به اشکال مختلف ترس و نگرانی خود را ابراز میدارند و همزمان و علاوه بر سر کوب در تلاشند به اشکال مختلف با اتکا به مذهب و قومیت و... میان صف محرومین جامعه، صف ما مردمی که این روزها پایه های ارتجاع حاکم را لرزانند، تفرقه بیندازند. تلاش میکنند مردم را به نام سنی و شیعه، کرد، ترک، بلوچ، فارس، عرب و... در مقابل هم قرار دهد. این ترفندها به همت شما مردم آزادیخواه و هوشیار که در تمام چند دهه گذشته مستقل از محل تولد و زبان تکلم و نوع لباس و ... زیر فشار استبداد، فقر و استثمار قرار داشتند، نقش بر آب شد. اتحاد صف کارگران، صف مردم محروم و آزادیخواه، صف دختر و پسر برابری طلب برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برای تامین آینده ای سعادتمند، خاری در چشم ارتجاع حاکم و همه جریانات بورژوازی است.

اعتراضات متحد شما به عنوان بخشی از یک جنبش انسانی و آزادیخواهانه، مردم متمدن در سراسر جهان، زنان و کارگران و محرومین جوامع بشری را به حمایت کشانده است. امروز چشم امید بشریت متمدن در سراسر جهان به جنبش حق طلبانه و متمدن مردم ایران و نسل جوان آزادیخواه آن دوخته است. اکنون در بسیاری از کشورهای منطقه، از افغانستان و پاکستان تا عراق و کردستان عراق تا لبنان، تونس، ترکیه و... جنبش حق زن تکانی خورده است و جانی تازه گرفته است. بی تردید سرنگونی جمهوری اسلامی که اعتراضات سراسری این دوره مرحله ای نوین از آن بود و قدمی بزرگ حاکمیت را به مرگ نزدیک کرد، رنسانسی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای آزادی و برابری در دفاع از حق زن، دفاع از کرامت انسانی و علیه تحجر و کهنه پرستی در سراسر خاورمیانه و جهان است. اتحاد و همدلی امروز شما قدمی در این راه است. باز هم به شما درود میفرستم، و دست همگی شما را میفشارم.

به امید پیروزی

در گرامیداشت سالروز انقلاب اکتبر!

انقلاب کارگری به تنها شکل ممکن رادیکالیسم در جهان امروز بدل شده است. هیچ دوره - زمانه ای مانند امروز، شرایط برای تبدیل تئوری کمونیسم به یک نیروی مادی - اجتماعی فراهم نبوده است. هیچ زمانی مثل امروز طبقه کارگر به کمونیسم و فقط به کمونیسم نیاز نداشته است. و هیچ زمانی چون امروز شرایط مادی برای تبدیل کمونیسم کارگری به یک انقلاب کارگری پیروزمند، به زنده ترین و قدرتمندترین جریان اعتراضی در جهان مهیا نبوده است. رشد و توسعه تولید سرمایه داری، قدرت عظیم پرولتاریا در تولید در مقیاس جهانی، ورشکستگی سیاسی تمام جریاناتی که کارگران را از انقلاب علیه کل نظم موجود برحذر میدارند، همه گویای پتانسیل عظیم طبقه کارگر و کمونیسم کارگری است. به این اعتبار، انقلاب کارگری در ایران و پژواک آن در جهان، نیازمند بقدرت رسیدن این نوع کمونیسم است؛ کمونیسمی که پراتیک عاجل طرفداران پرشور کمون پاریس و انقلاب اکتبر را طلب میکند.

جنبشی برای لغو آپارتاید جنسی

گفتگوی هساره ابراهیمی
با روزنامه آلمانی Leipziger Volkszeitung

در تاریخ ۱۹ اکتبر در مصاحبه ای که با روزنامه «مردم لایپزیک» داشتم در مورد اعتراضات سراسری و مسئله زن در ایران صحبت کردم.

«زندگی به عنوان یک زن در ایران به چه معناست»، زنان نه تنها از جانب حاکمیت اسلامی بلکه از طرف جامعه به شیوه های مختلفی تحت فشار روانی و فیزیکی هستند. و اشاره کردم که زنان در جامعه از اولین و ابتدایی ترین حقوق خود برخوردار نیستند و آنها مستقلانه نمی توانند هر تصمیمی در باره زندگی خود داشته باشند. بر همین مینا آزادی زنان از قید اسارت های حاکمیت جمهوری اسلامی تازه نقطه شروع انقلاب زنانه ایران است، این انقلاب بایستی در ابعاد اجتماعی به حیات خودش ادامه دهد تا بتواند، در آزادی و برابری به سرانجام برسد.

جمهوری اسلامی از ورود زنان و خواست مطالبات جنبش زنان ترسیده است، چون زنان در طول این ۴۳ سال به وسیله این حکومت همیشه و با هر بهانه ای به کنج ها خانه ها فرستاد شدند و حال همین زنان بر علیه آپارتاید جنسی و قانون حجاب که بر آنها اعمال شده بود به پا خواستند و نه بزرگی به بردگی چندین ساله دادند. در بخش دیگری اشاره کردم که انقلاب زنان در جریان فقط به دنبال لغو قانون حجاب نیست بلکه هدف رهایی کامل زن است، به همین دلیل هم هست که این اعتراضات به نقطه ثقل سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

از سوی دیگر، اعتراضات به فقر، بیکاری، نداشتن امنیت اجتماعی و ... جزء جدایی ناپذیر از خیزش انقلابی است، به یک معنی آنچه امروز در ایران در جریان است عصاره ای از اعتراضات بر سر رفاه و معیشت و آزادی است که در ابعاد بزرگتر و از جنبه هایی هم رادیکال تر ظاهر شده است. برای نمونه اشاره کردم که اولین اعتراضات زنان در ۸ مارس سال ۱۳۵۷ علیه حجاب اجباری الان دیگر بلاواسطه به جنبش مبارزات زنان برای رهایی در سال ۱۴۰۱ وصل شده است. در بخش آخر صحبت ها از امید و نگرانی هایم صحبت کردم، امیدوارم از اینکه جنبشی به میدان آمده که سالهای سال بوسیله قوانین ارتجاع اسلامی حق ابراز وجود نداشته و حال با تمام قدرت و بدون هیچ تردیدی به مبارزه خودشان در کف خیابان ها، محلات کار و زندگی و در دانشگاه ها ادامه میدهند و جامعه را همراه خود آورده اند و فریاد «آزادی زن، آزادی جامعه است» سر میدهند. از سوی دیگر، باید جنبید و راه پیروزی این جنبش را به هر شیوه ممکن هموار کرد و نقش مغرب تمام نیروهای مرتجع بورژوازی و آلترناتیوهای آنها را خنثی کرد.

ما می خواهیم به تبعیض و ستم جنسی و قوانین و آیین پشت آن خاتمه داده شود. ما خواهان جامعه ای برابر و آزاد هستیم که برابری زن و مرد بطور قطع تامین و تضمین شود. بیگمان چنین جامعه ای مستلزم هشیاری و دخالت زنان و مردان کارگر و زحمتکش و طبقات پایین جامعه است. خاتمه دادن به ستم طبقاتی و تبعیض و تجاوز به حقوق زنان به سازمان های طبقاتی و اجتماعی توده ای نیاز دارد.

رهایی زن رهایی جامعه است!

انقلاب زنانه در ایران

گفتگوی هیمن خاکی با روزنامه آلمانی Leipziger Volkszeitung

در گفتگو با روزنامه «مردم لایپزیک» در رابطه با اوضاع کنونی ایران صحبت کردم.

ترس و نگرانی از جان های شیرینی که فدای آزادی و برابری می شوند و از امیدی که با شعارهای «آزادی و برابری» و «زن زندگی آزادی» در دل تک تک انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان شکوفه می زند. امیدی که زنان آزادی خواه در ایران به گوش جهانیان رسانده اند و در مسیر تبدیل رویای آزادی زن به واقعیت هستند، نسلی که چهل و سه سال زیر بار سرکوب و دیکتاتور کردن قوانین زن ستیز اسلامی سر خم نکرده و امروز با توان هرچه بیشتر برای آزادی به میدان آمده است. در یک ماه اخیر همه ما شاهد بودیم که چگونه از کردستان تا تهران، زاهدان، خوزستان و چهار گوشه ایران زنان و مردان به خیابان ها آمدند تا خواست برابری را فریاد بزنند، اعتراضاتی که با کشته شدن مهسا امینی شروع شد و با فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، «نه روسری نه توستری، آزادی و برابری»، «تا انقلاب نگرديم به خونه برنگرديم»، «شال ما شال ما، طناب دار شما»، «مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر» و ... در کوچه پس کوچه های انقلاب زنانه ایران سعی دارد مسیر فردای بهتر را هموار کند. امیدها و اضطراب های زیادی در این مسیر نهفته است، اما در دل این مسیر پر پیچ خم تصور اینکه صبح از خواب بیدار شوید و جمهوری اسلامی سرنگون شده باشد، تصویری ست که روی دیوارهای شهر نقش بسته است.

آزادی زنان، آزادی جامعه است

در این بخش به زنانه بودن خصلت انقلاب ایران اشاره کردم. انقلابی که زنان و مردان آزادی خواه پرچم دار به پیروزی رساندند هستند، این انقلاب خصلتی زنانه دارد نه به خاطر اینکه زنان در پیشبرد آن سهم بزرگی دارند بلکه به این دلیل که یکی از اصلی ترین اهدافش به سرانجام رساندن خواست و مطالبات زنان، به بیان دیگر لغو آپارتاید جنسی در تمام سطوح است. شعار «زن زندگی آزادی» که امروز سمبل اعتراضات شده است، نه فقط فراتر از مرزهای کردستان ایران بلکه فراتر از مرزهای ایران رفته است و در نقاط گوناگون جهان به صدای همبستگی و پایان نابرابری زنان تبدیل شده است. به یک معنی امروز زنان در ایران به تاریخ مبارزات زنان جهان پیوستند و جایگاه ویژه ای در آن کسب کرده اند. شاید این تازه آغاز انقلاب است اما قطعاً تا پیروزی اش پیش خواهد رفت و قطعاً تاریخ معاصر ما، انقلاب زنانه ایران را به خود خواهد دید و این انقلاب تأثیرات بسزایی را در قدم اول بر کشورهای خاورمیانه و در قدم های بعدی بر کل جهان سرمایه داری خواهد گذاشت.

اهمیت حمایت جنبش های پیشرو از انقلاب زنانه ایران

در این بخش از این صحبت کردم که جنبش های پیشرو جهان با اعلام همبستگی و حمایت از انقلاب زنانه ایران می توانند در به پیروزی رساندن این انقلاب نقش ایفا کنند. برپایی تظاهرات و اکسیون های خیابانی تنها بخش کوچکی از آنچه هست که می توان در این زمینه انجام داد. با ظرفیت های زیادی که جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی در سراسر جهان دارد امروز می توان از یک اعلام همبستگی فراتر رفت، و سنگر آزادی خواهی و برابری طلبی در جهان به این سمت حرکت کند که بتواند، به عنوان یک صف متحد به میدان بیاید. صفی که می تواند در هر لحظه ناقوس جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی را به صدا در بیاورد. علاوه بر این ایجاد شبکه های شهری، کشوری و حتی قاره ای می تواند گام های بعدی باشد که این جنبش در سطح بین المللی بر میدارد. قاعدتاً چه در ایران و یا هر جای دیگر جهان بورژوازی سعی دارد که انقلاب در جریان را به نفع خود تفسیر کند و نیروی خود را بعد از جمهوری اسلامی به قدرت بنشانند از همین رو سوسیالیست ها و طبقه کار هم با ایجاد صف مستقل جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی و درهم تنیدگی با جنبش های پیشرو جهانی می توانند گام به گام در مسیر پیروزی این انقلاب نقش ایفا کنند.

آزادی زن معیار
آزادی جامعه است!

پیام حمایت حزب کمونیست کارگری کردستان به توده های بی‌خاسته شهرهای ایران

مردم آزادیخواه ایران!

قتل مهسا امینی به دست جلادان جمهوری اسلامی جرقه ای شد تا یک خیزش بزرگ توده ای را در بیشتر شهرهای ایران بر علیه حاکمیت ستمگر و ضد انسانی جمهوری اسلامی سرمایه را شعله ور کند و همچنین باعث ایجاد یک همبستگی بزرگ جامعه جهانی در برابر جرم و جنایت جمهوری اسلامی و ستمی که بر زنان روا می دارد را ایجاد کرده است. مطمئناً این خیزش توده ای، هیچ رنگ و بوی قومی و مذهبی را با خود ندارد و آزادی زنان را از زیر چنگ قانون و شریعت اسلامی را نقطه اتکای خود و پرچم آزادی و برابری قرار داده است، جنبش و عملی بی نظیر و انقلابی است که در یک ماه گذشته نه تنها کاخ ارتجاع اسلامی در ایران را به لرزه در آورده است، بلکه پایه های اصلی ایدئولوژی و کل اسلام سیاسی و دولتهای مرتجع منطقه را زیر فشار خود قرار داده و امید به تغییر و نجات از این وضعیت را در دل انسان ها کاشته است. به همین دلیل حزب ما و مردم آزادیخواه کردستان با چشمی پر از امید به این خیزش می نگرند و این جنبش را بخشی از مبارزه کمونیست ها و طبقه کارگر کردستان در راستای رسیدن به آزادی و برابری میدانند. حزب ما چه در داخل کردستان و چه در خارج از کشور لحظه به لحظه در کنار شما ایستاده است و برای همبستگی و حمایت بیشتر از اعتراضاتتان در تلاش است.

زنان، دختران و جوانان انقلابی!

اگر شما از تهران تا سنندج و دیگر شهرهای ایران متحد و یکپارچه صدای آزادی و برابری طلبی را بلند کرده‌اید و با از سر برداشتن روسی ها و سوزاندن آن، پیام خود را به جامعه جهانی رساندید و دیگر نمی خواهید بیش از این زیر سایه شریعت اسلامی زندگی کنید. اگر شما به آینده‌ای روشن و شایسته انسان چشم دوخته اید و حاکمیت ضد انسانی جمهوری اسلامی را به لرزه انداخته اید، با این مبارزه و این خیزش اعتراضی، خشم آحاد طبقه کارگر و همه اقشار جامعه و مردم ستمدیده ایران را به یک خیزش انقلابی امید بخش برای به زیر کشیدن حاکمیت ضد انسانی اسلامی در ایران و بنیاد نهادن یک جامعه میاند، بدور از بی حقوقی و استثمار و هرگونه تبعیضی تغییر داده اید. این خیزش تلاشی است به منظور تغییر و گذشتن از هر نوع تمکینی به احکام آخوند و اسلام. در کردستان، زنان و دختران با جسارت روسی های خود را پرت کرده و سوزاندند، دانشجویی فریاد می زد «کردستان کورستان فاشیستان»، کارگران نفت و پتروشیمی اعلام کردند قتل مهسا یک قتل سازمان یافته دولتی است و نباید بی پاسخ ماند. اعتصاب و اعتراض معلمان، دانشجویان و بازنشستگان و غیره نه تنها سندی است بر این ادعا، بلکه نشانه ایست از عزم و اراده ای بزرگ و متحدانه که مستلزم ستایش و قدردانی ما و تمامی آزادیخواهان دنیاست. تلاش های جمهوری اسلامی برای به خون کشیدن اعتراضات و این شیوه از سرکوب و کشتار، دستگیری و زندانی کردن و میلیتاریزه کردن شهرها نیز سند دیگریست بر این واقعیت که رژیم توانایی و قابلیت های این خیزش را دیده و به شدت ترسیده است و افق سرنگونی را در برابر خود میبیند. اما اگر ترس سرتاپای رژیم را فرا گرفته است، اگر خیزش یک ماهه زنان، دختران و مردم معترض و ستمدیده، درها را به روی تغییرات گشوده است، اما

هنوز اول کار است هنوز باید آتشفشان اعتراضات شما از اینی که هست شعله ور تر شود، باید کارگران و توده های ستمدیده و تمامی کسانی که خواستار تغییر در جامعه ایران هستند به این اعتراضات ملحق شوند، باید مراکز شهرها، کارگاه و مراکز صنعتی، دانشگاه و محلات به میدان اعتراض رادیکال و انقلابی و متعهدانه توده‌ای تبدیل شود. باید صفوف خودمان را از طریق شورا، کمیته و انجمن های انقلابی سازمان دهیم، ضمن ادامه کاری اعتراضات، به فکر کنترل و اداره جامعه باشیم، باید رهبران و فعالین این اعتراضات با دیدی روشن به آینده جامعه نگاه کنند و از هم اکنون به منظور بنیاد نهادن یک نظام و سیستم که آزادی و برابری را برای همه تضمین کند تلاش کنند. از همه مهمتر اینکه هر خیزش انقلابی بدون افق روشن برای آینده و بدون ایجاد سیستمی که به تبعیض طبقاتی، تبعیض جنسی پایان دهد و دست سرکوب و زندان و بی حقوقی را از جامعه کوتاه کند، حتی اگر بتواند رژیم را سرنگون کند ولی هنوز این فرصت را به جریانات بورژوازی خواهد داد تا دستاوردهای مبارزه و انقلاب توده ها را دزدیده و دوباره جامعه را به همان شرایط قبلی که در خدمت طبقه سرمایه دار و احزابشان به کار گیرد. بنابراین لازم است صفوف خود را سازماندهی و زیر افق و پرچم سوسیالیسم جمع شویم تا نقطه اتمامی به حاکمیت بیش از چهار دهه رژیم جمهوری اسلامی سرمایه بگذاریم و با اراده خودمان و بر خرابه های آن، سیستمی را بنیاد دهیم که آزادی، برابری و رفاه را برای همگان تضمین کند.

کارگران و مردم آزادیخواه ایران!

زنان، جوانان و دانشجویان به پاخاسته!

اگر مانندن زیر سایه حاکمیت شرع و اسلام جز کشتن مهسا ها و بردگی زنان و بی حقوقی مگر دیگری ندارد، اگر مانندن زیر سایه جمهوری اسلامی ایران جز قربانی دادن، بیکاری، فقر و فلاکت، سرکوب و زندان و صدها درد و بلائی دیگر، مگر دیگری ندارد، بنابراین بیاید با نیروی متحد خودمان دم و دستگاه های این حاکمیت ضد انسانی را برای همیشه به زیر بکشیم، بیاید با صفوف متحد و سازماندهی شده خودمان، با هماهنگی کردن قدرت و اراده در محل کار و زندگی، خیابان و کارخانه، دانشگاه و محلات را به مکانی برای اجرای قانون و سنتهای انسانی و برابری طلبانه و تضمین تمامی آزادی های فردی و مدنی بدل کنیم و تمامی دستگاه پلیس و سرکوب و بروکراسی را برچینیم و قوانینی که با خواست و حقوق انسانی همخوانی ندارد را به زباله دان تاریخ بسپاریم. لازم است تمامی زندانیان سیاسی آزاد شوند و آزادی سیاسی و فضای آزادیخواهانه که ضامن فعالیت و تلاش آزادانه است را برپا داریم. ادامه کاری مبارزه و حفظ قدرت اتحادمان، توده ای تر کردن اعتراضات و هماهنگ کردن جنبش‌های انقلابی با همدیگر و تلاش برای سازماندهی در این راستا و سازماندهی تجمعات و ایجاد شوراها به منظور کنترل و اداره محلات، کارگاه و کارخانه و مراکز در تمامی نقاطی که توازن قوا اجازه می دهد ... تا در دست گرفتن و جایگزین کردن قوانین آزادی خواهانه و تضمین آزادی سیاسی و حقوق فردی و مدنی، بالا بردن آمادگی لازم برای دفاع از دستاوردها و روبرو شدن با نقشه و پلان رژیم و نیروهای ضد شورش یکی دیگر از قدم های سرنوشت ساز نیست برای حفاظت از دستاوردها و پیشروی های تاکنونی و تضمینی برای پیشروی های آینده. حزب کمونیست کارگری کردستان تلاش جسورانه مبارزاتی شما را ارج می نهد و با تمامی توان همبستگی خود را با شما و خواسته هایتان اعلام می دارد و در کنارتان خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری کردستان
۲۰۲۲/۱۰/۲۲

* اصل پیام به زبان کردی است، رفیق آسو سهامی آنرا به زبان فارسی ترجمه کرده است.

ایران در ۲۴ ساعت گذشته!

نمایشی از قدرت سازمان یافته مردم

از شبانه تاکنون، در ادامه اعتراضات وسیع مردم آزادی خواه علیه جمهوری اسلامی، شاهد یک سلسله اعتصابات، تجمعات و اعتراضات متشکل و کلیدی در ایران هستیم که به فراخون تشکلهای کارگری، فرهنگیان، دانشجویی و شوراهای محلات انجام گرفته است. بنابه فراخوان «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» در اعتراض به جانباختن تعدادی از دانش آموزان و حضور نیروهای سرکوب در مدارس و تعرض به دانش آموزان، در کل مدارس کشور معلمان حاضر شده اما به کلاس درس نرفته‌اند. مدارس سرتاسر ایران دیروز و امروز با اعتصاب معلمان و حمایت دانش آموزان تعطیل و محل اعتراض بود. کارگران گروه ملی فولاد اهواز بعد از تصمیم در آخرین مجمع عمومی خود برای دومین روز متوالی همراه با خانواده‌هایشان دست از کار کشیده و در اعتصاب کامل هستند. کارگران نیشکر هفت تپه با تصمیم جمعی خود در مجمع عمومی شان چند روز است که در اعتصاب به سر می‌برند و اعلام کرده‌اند که «قلب ما با کارگران فولاد در اهواز است!» در پالایشگاههای نفتی جنوب، بویژه در عسلویه و پارس جنوبی، با وصف شدیدترین کنترل و سرکوب و دستگیری‌های وسیع این مدت توسط نیروهای امنیتی رژیم، اما مراکز کاری توسط کارگران نفت و پتروشیمی‌ها و گاز به شکل نیمه‌تعطیل درآمده است. کار به جایی رسیده است که سران هر سه قوه در آخرین نشست خود از خطر اعتصابات کامل در مراکز کلیدی کار به وحشت افتاده‌اند.

در کردستان به فراخوان شورای محلات، در بسیاری از شهرها مانند سنندج، میروان، سقز، مهاباد و ... نه تنها شهر تعطیل که تجمعات مختلفی در شهر و محلات انجام گرفته است. بخش اعظم دانشگاه‌های ایران برای آزادی و برابری، برای آزادی فوری زندانیان سیاسی، به فراخوان تشکلهای مستقل دانشجویی در تخصص کامل به سر می‌برند. علاوه بر این‌ها اعتراضات در بسیاری از شهرها به اشکال مختلف ادامه داشته است.

این تصویر جامعه ایران فقط در یک شبانه روز نیست. این تصویر جامعه‌ای است که با اتکا به تشکلهای مستقل و قدرتمند خود از مدارس و دانشگاه‌ها تا محلات و کارخانه‌ها جنبش خود برای دستیابی به رفاه، آزادی و برابری را پیش می‌برد. این جامعه‌ای است که با اتکا به قدرت تشکلهای کارگری و مردمی قادر است کار یک دهه را در یک شبانه روز

به سرانجام برساند. قدرتی که جوانه‌های آن در مراکز کلیدی کار و محلات زیست، شروع به رویداد کرده است و در هر گام خود سنگر جدیدی را فتح می‌کند. رهبری، تامین انسجام، اتحاد و تشکل در هدایت یک مبارزه سراسری و هماهنگ برای کسب بیشترین پیشروی در مقابل حاکمیت، امروز در دست تشکلهای رهبران و دست‌اندرکاران، در روی زمین سفت، در مراکز کار و محلات زندگی مردم است. تشکلهایی با رهبرانی که چم و خم مبارزه با جمهوری اسلامی را بلدند، خواست‌های یک جامعه ۸۰ میلیونی را لیسست کرده‌اند، به چیزی کمتر از رفاه و امنیت و آزادی شهروندان و دخالت مستقیم آنان در سرنوشت خود رضایت نمی‌دهد و آگاهانه هر تحرکی را که نافی این خواسته‌ها و این دخالت باشد خنثی می‌کنند. با چنین ترکیبی از رهبران عملی مبارزات مردم در محلات کار و زندگی، هر اعتراض برحقی در جامعه ایران می‌تواند بدون پشتوانه ماند. هر درجه نیرومند شدن این تشکلهای و سازمان‌یابی حول آنها، بدون شک نیروی وسیع ما را متحد و اعتراضات ما را هدفمندتر، در هم تنیده‌تر و بعلاوه قدرت تخریب جمهوری اسلامی و حربه سرکوب این حاکمیت را بیش از پیش خنثی می‌کند. پاسخ حاکمیتی را که ارگان‌های سرکوب از دولت تا نهادهای ضد مردمی و پلیسی را در اختیار دارد، تنها می‌توان با یک نیروی قدرتمندتر از آن داد! نیرویی که قدرت آن اتحاد، سازمان و رهبری آن است. این نیرو را تنها رهبران عملی، سازمان‌ها و ارگان‌های اعمال حاکمیت مردم در مراکز کار و تحصیل و محلات زندگی می‌توانند تامین کنند. این نیرو و این رهبران عملی مبارزات مردم هم اکنون موجودند. شرایط به سمت پیوستن جامعه در ایجاب سراسری و محلی به این رودخانه خروشان تشکلات کارگری و مردمی می‌رود. مردم معترض، هیچ معتمد و پشتوانه‌ای جز رهبران محلی و سراسری خود ندارند. رهبرانی که منفعتی در زنده نگه‌داشتن فقر و بیکاری و استبداد ندارند، رهبرانی که جز برای رفاه و آزادی و برابری برای امر دیگری جامعه را متشکل و متحد نمی‌کنند.

سال‌هاست دوره عرض اندام تشکیلات‌های کارگری و مردمی و رهبران آن آغاز شده است. اما اوضاع هیچ‌وقت تا امروز به نفع آلترناتیو حکومت شورایی مهیا نبوده است. شوراهایی که با اتکا به اراده جمعی در این ارگان‌های مردمی و کارگری می‌توانند قدرت خود را به رخ حاکمان بکشند؛ این آن هراسی است که اکنون در هر دم و بازدم اعتراضات و اعتصابات مردمی، لرزه بر ساختار بورژوازی ایران چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون انداخته است.

پیش به سوی تشکیل شوراهای مردمی در سرتاسر ایران
حزب حکمت‌نست (خط رسمی)
۲۳ اکتبر ۲۰۲۲ - ۱ آبان ۱۴۰۱

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه های نیانا از

کانال یک

برنامه های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نیانا را در شبکه های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena